

پاسخ این رند به مسئله تعارض میان قانون و آزادی‌های فردی

رهام شرف*

چکیده

زندگی اجتماعی متضمن پذیرش برخی بایدها و نبایدهاست که محدودیت‌هایی را برای آزادی‌های فردی ایجاد می‌کند. از سویی وجود این هنجارها، که آنها را قانون می‌نامیم، برای برقراری نظم و امنیت در جامعه ضروری است، از سوی دیگر در برخی مواقع قانون با آزادی‌های افراد جامعه در تعارض قرار می‌گیرد. با توجه به اهمیت فراوان دو مقوله قانون و آزادی فردی و امکان‌نداشتن حذف این دو به فلسفه‌ای نیاز داریم تا به مسئله تعارض‌های احتمالی میان آنها پاسخ دهد. این رند فیلسوفی است که در جایگاه مدافع نظریه خودگرایی اخلاقی شناخته شده است. به نظر می‌آید با توجه به مبانی فلسفی و اخلاقی‌ای که وی مطرح می‌کند، بتوان پاسخی مناسب به مسئله تعارض مذکور داد. به نظر می‌آید رند از مبانی‌ای برای حل تعارض مذکور استفاده می‌کند که سازگاری درونی بالایی دارند. اما از آنجا که وی متفکری خودگراست و مبنای پاسخ وی به مسئله تعارض آزادی‌های فردی با قانون نیز نظریه اخلاقی خودگرایانه اوست، به نظر می‌آید نوعی ناسازگاری میان تأکید بر قانون و حقوق فردی با خودگرایی اخلاقی وجود داشته باشد؛ زیرا قانون خاصیت محدودکنندگی دارد و حقوق فردی نیز مستلزم در نظر گرفتن ارزش ذاتی دیگران است، حال آنکه در خودگرایی اخلاقی تأکید بر اصالت فرد و منافع وی است و تا حد زیادی ارزش ذاتی انسان‌های دیگر نفی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: این رند، خودگرایی اخلاقی، آزادی‌های فردی، حقوق فردی، سیاست.

* استادیار فلسفه اخلاق، دانشگاه زنجان، rahamsharaf@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲

۱. مقدمه

هر انسانی برای تأمین منافع فردی خود، اعم از مادی و معنوی، نیازمند ارتباط با انسان‌های دیگر است. ارتباط انسان‌ها با یکدیگر در بستری اتفاق می‌افتد که جامعه نام دارد. در واقع، جامعه کلیتی از افراد است که به دلایل گوناگون دور هم جمع شده‌اند و با هم ارتباط دارند. مسئله مهم در این جا این است که هر یک از اعضای جامعه سلاقی، اهداف، و آرزوهای خود را دارند که در بسیاری از موارد در تعارض با اهداف و سلاقی سایر اعضا قرار می‌گیرد. در این جا لازم است قانونی جامع برای برقراری نظم در جامعه و تعیین حدود و ثغور آزادی‌های فردی و اجتماعی وجود داشته باشد. این مسئله از حیث فلسفی شایان بررسی است، زیرا از یک طرف هر یک از افراد جامعه انسانی آزاد است و لازم است از حقوق فردی مشخص و آزادی اجتماعی برخوردار باشد و از طرف دیگر باید قانونی وجود داشته باشد که در عین توجه به حقوق و آزادی‌های فردی انسان‌ها از تعارض میان حقوق و علایق آن‌ها جلوگیری کند.

در نوشتار پیش رو تلاش می‌کنیم تا بر مبنای اندیشه‌های فلسفی آین رند (Ayn Rand) به این مسئله پاسخ دهیم. گفتنی است رند فیلسوفی است که در ایران چندان مورد توجه نبوده است، با این حال اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی او در امریکا و هم‌چنین جهان بسیار تأثیرگذار است. این نوشتار نیز اولین پژوهشی است که از منظر تفکر فلسفی وی به تحلیل مسئله تعارض آزادی‌های اجتماعی با قانون و نظم عمومی می‌پردازد. آین رند در نظریه اخلاقی و سیاسی خود به این مسئله توجه می‌کند و می‌کوشد تا از قانون و نظمی عمومی دفاع کند و در عین دفاع از حقوق فردی انسان‌ها مسئله تعارض آزادی‌های اجتماعی را نیز حل کند. البته رند مستقیماً این مسئله را مطرح نکرده است، اما رویکرد او به مسئله مذکور از متن اندیشه‌های وی قابل استخراج است. در این نوشتار تلاش می‌کنیم تا پاسخ وی به مسئله تعارض میان آزادی‌های فردی با قانون را توضیح دهیم و تحلیل و بررسی کنیم.

اولین پرسشی که باید به آن پاسخ دهیم این است که رند چگونه و براساس چه مبنایی به مسئله تعارض احتمالی میان آزادی‌های فردی و قانون پاسخ می‌دهد؟ دومین پرسش بنیادی این مقاله این است که پاسخ رند تا چه اندازه موجه و قابل دفاع است؟ اولین فرضیه ما این است که خودگرایی اخلاقی مورد تأیید رند مبنای پاسخ وی به مسئله تعارض میان قانون و آزادی‌های فردی است. دومین فرضیه نوشتار پیش رو این است که پاسخ رند نقاط قوت و قابل تأملی دارد که می‌تواند بنیانی مناسب را برای حل مسئله تعارض‌های احتمالی

بین قانون و آزادی‌های فردی فراهم کند. اما در عین حال در پاسخ وی کاستی‌ها و نقاط ضعف مهمی وجود دارد که لازم است به آن‌ها توجه شود.

۲. خودخواهی به مثابه مبناي اخلاق

برای تبیین پاسخ رند به مسئله تعارض‌های احتمالی میان آزادی‌های فردی و قانون لازم است گزارشی مختصر از نظریه اخلاقی وی ارائه دهیم؛ چراکه فرضیه ما این است که نظریه اخلاقی رند بنیان این پاسخ است.

بنیان نظریه اخلاقی وی خودخواهی (selfishness) است. او در واقع یکی از مهم‌ترین مدافعان خودگرایی اخلاقی (egoism) در دوران معاصر است. خودگرایی اخلاقی رند به شدت مورد توجه فیلسوفان اخلاق قرار گرفته است، به گونه‌ای که از نظر جیمز ریچلز در میان فیلسوفان قرن بیستم نظریه اخلاقی رند مرتبط‌ترین نظریه با خودگرایی اخلاقی است (Rachels, 1998: 80). وی برای تبیین خودگرایی اخلاقی مورد نظر خود از مفهوم حیات (life) آغاز کرده است و تلاش می‌کند براساس آن پیگیری خودخواهانه امیال و آرزوهای فردی را توجیه کند.

رند چون انسان را مختار می‌داند معتقد است که اخلاق فقط مختص به انسان است؛ زیرا از نظر او اختیار و انتخاب آزاد در اخلاق امری ضروری است (Rand, 1984: 12). بنابراین وقتی او از مفهوم حیات به منزله بنیان نظریه اخلاقی خودگرایانه خود سخن می‌گوید، مقصودش حیات انسان است. رند بر این باور است که انسان در عمل با گزینه‌ها و بدیل‌های گوناگونی روبه‌رو است و وجود این بدیل‌ها تحقق مفهوم ارزش را امکان‌پذیر می‌کند. مهم‌ترین دوره‌ای که پیش روی انسان و هر موجود زنده‌ای قرار دارد دوره‌ی مرگ یا زندگی است که او باید از میان آن‌ها یکی را انتخاب کند (Rand, 1964 c: 12). در نظام اخلاقی رند سلسله‌مراتبی از ارزش‌های اخلاقی وجود دارد که ارزش‌های رده پایین‌تر ارزش و اعتبار خودشان را از ارزش‌های رده بالاتر می‌گیرند و در رأس هرم ارزش‌ها حیات موجود زنده به منزله بنیادی‌ترین ارزش قرار دارد (Bernstein, 1984: 68). در نتیجه ارزش‌هایی مثل علم، کمک به دیگران، و عشق فقط از این نظر مهم‌اند که به تحقق حیات موجود زنده کمک می‌کنند. در واقع، این ارزش‌ها فقط به این دلیل ارزش نامیده می‌شوند که به ارتقا و پیشرفت حیات موجود زنده، که معیار تعیین ارزش است، کمک می‌کنند. بنابراین حیات در نظریه اخلاقی رند غایت فی‌نفسه است. به نظر می‌رسد سلسله‌مراتبی بودن

ارزش‌ها یکی از مؤلفه‌های نظریه اخلاقی وی است که به او این امکان را می‌دهد تا پاسخی درخور به مسئله تعارض آزادی‌های فردی و قانون بدهد. در واقع براساس این نظریه به هنگام بروز چنین تعارض‌هایی می‌توان با توجه به طبقه‌بندی ارزش‌ها اولویت‌ها را مشخص و تعارض مذکور را حل کرد.

از نظر رند ارزش فی‌نفسه حیات فردی ارتباط تنگاتنگی با عمل دارد. وی معتقد است برای محافظت از حیات گونه‌ای از عمل و فعالیت فردی لازم است که متناسب با سرشت هر موجود زنده است. در واقع از نظر رند حیات فردی فرایند محافظت از خود (self sustaining) و بازآفرینی خود (self generating) است. وی از این‌جا نتیجه می‌گیرد که ارزش اخلاقی چیزی است که فرد برای به‌دست‌آوردن و حفظ آن تلاش می‌کند. در نظریه اخلاقی او آن چیزی که باید به چنگ آید و حفظ شود حیات است (Rand, 1990 a: 77). واژه بازآفرینی خود می‌تواند به معنای خلق ماهیت و چیستی خود باشد. در واقع به‌نظر می‌آید از نظر رند انسان یک توانایی و ظرفیت برای بودن است که لازم است خودش حیات خویش را محقق سازد و ماهیت خود را مشخص کند. بنابراین در این‌جا می‌توان رد پای نیچه و تفکر اگزیستانسیالیستی را در اندیشه او ملاحظه کرد (خود رند بر تأثیر کلی نیچه در شکل‌گیری تفکراتش صحنه می‌گذارد). از سوی دیگر، برای آیین رند بنیاد و نقطه شروع اخلاق براساس محافظت از خیر و منفعت فردی شکل می‌گیرد. در واقع، معیار اخلاقی بودن از نظر او پی‌گیری منافع فردی است که این مسئله آشکارا خودخواهی را در اخلاق مبنا قرار می‌دهد.

۳. خودگرایی عقلانی و ورود فرد به جامعه

همان‌گونه که بیان شد از نظر رند عملکرد هر موجود زنده برای حفظ حیات براساس سرشت و ماهیت آن موجود زنده مشخص می‌شود. وی معتقد است که آدمی ماهیتی متفاوت از موجودات دیگر دارد و این تفاوت به وجود عقل در انسان بازمی‌گردد. رند بر این باور است که عقلانیت خود را در فرایند تفکر و مفهوم‌سازی نشان می‌دهد. اما آدمی می‌تواند زندگی عقلانی یا متفکرانه را انتخاب یا از آن اجتناب کند. از نظر رند عملکرد عقلانی به حفظ حیات و تعالی آن می‌انجامد و محافظت از حیات عین عملکرد اخلاقی است (Rand, 1964 e: 917). بر همین اساس می‌توان گفت رند از نوعی خودگرایی عقلانی (rational egoism) سخن می‌گوید؛ زیرا در نظریه اخلاقی او مهم‌ترین ارزش اخلاقی حفظ

حیات خویش است که لازمه این محافظت و پیشرفت حیات عملکرد عقلانی است. اما از طرف دیگر حفظ حیات و رشد آن در گرو عملکرد عقلانی است. هم‌چنین عقلانی‌زیستن در بسیاری از موارد متضمن گذشتن از لذت‌ها و منافع آنی برای به‌دست‌آوردن لذت‌ها و منافع پایدارتر در آینده است. البته باید توجه کنیم که مبحث خودگرایی عقلانی مبحثی است که پیش از رند از جانب فیلسوفانی چون هابز مطرح شده است. از این گذشته، در آثار نیچه نیز رد پای تقریری از خودگرایی عقلانی درخور مشاهده است.

عقلانی‌بودن خودگرایی اخلاقی از نظر رند مبنایی است که ورود فرد به جامعه و ارتباط او با سایر انسان‌ها را توجیه می‌کند. با این‌که منفعت فردی مهم‌ترین مؤلفه نظریه اخلاقی اوست، اما تأمین این منفعت در بسیاری از موارد مستلزم توجه به منافع دیگران است؛ چراکه پاره‌ای از این منافع پایه صرفاً در سایه ارتباط با سایر انسان‌ها برآورده خواهد شد. بسیاری از فیلسوفان خودگرا بر تأمین منافع فردی به‌منزله زیربنای ورود به جامعه تأکید کرده‌اند، با این حال رند معتقد است که به‌هنگام ورود به جامعه نه‌فقط نباید منافع خود را فدای دیگران کنیم، بلکه اجازه نداریم منافع دیگران را فدای خود کنیم. در واقع از نظر او حق نداریم از دیگران به‌منزله ابزار و پلکانی برای ترقی خود استفاده کنیم.

از نظر رند دو منفعت فردی بسیار مهم وجود دارد که هر فرد خودگرای عاقل موظف است برای حفظ و ترقی حیات خود آن‌ها را به‌دست آورد. این دو ارزش یا منفعت معرفت و حرفه نام دارند. وی بر این باور است که فقط انسان می‌تواند معرفتی را که به‌چنگ آورده است به سایر انسان‌ها و به نسل‌های بعدی منتقل کند (Rand, 1964 c: 28). البته رند معتقد است تفکر امری فردی و انتخابی است و مقوله‌ای جمعی نیست. بدین معنا که نه دیگران می‌توانند به جای ما فکر کنند نه ما می‌توانیم به جای آن‌ها فکر کنیم؛ زیرا از نظر او فرایند تفکر فرایند به‌کارگیری عقلانیت است و عمل عقلانی یک عمل اخلاقی مختارانه است. اگر انسان متفکرانه و عقلانی عمل کند از حیات خویش محافظت خواهد کرد و باعث رشد و شکوفایی آن خواهد شد، اما اگر از زندگی عقلانی اجتناب کند، در جهت نابودی حیات خود عمل کرده است. با این حال به‌نظر رند معرفت محصول تفکر است و هر انسان متفکر می‌تواند از محصول تفکر سایر انسان‌ها استفاده کند (Harriman, 1999: 259-260). حرفه منفعت و ارزش دیگری است که از زندگی اجتماعی به‌دست می‌آید. منظور از حرفه همان توانایی منحصر به فردی است که آدمی برای امرار معاش از آن استفاده می‌کند. وقتی فردی حرفه خاصی آموخت دیگران از حرفه او بهره‌مند می‌شوند و در عین حال خود می‌تواند از منافع حرفه افراد دیگر استفاده کند (Rand, 1964 c: 28). در واقع رند معتقد است این شکل

از همکاری و مشارکت کمک می‌کند تا انسان‌ها از منافع یکدیگر استفاده کنند و صورتی از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین آن‌ها حاکم شود.

پس از بیان این مطلب، رند به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند که می‌تواند مقدمه ورود به بحث پاسخ او به مسئله تعارض بین قانون و آزادی‌های فردی باشد.

از نظر رند منافع اجتماعی مذکور فقط در جامعه‌ای آزاد که افرادی عاقل (خودگرای عاقل) در آن زندگی می‌کنند به دست خواهد آمد. وی معتقد است در جامعه‌ای که انسان‌ها به دنبال بهره‌کشی غیرمنصفانه از دیگران‌اند و هیچ تلاشی برای تولید ارزش نمی‌کنند این منافع حاصل نمی‌شود. از سوی دیگر در جامعه‌ای که جبر مطلق حاکم است و امکان تفکر عقلانی و خلاقانه از افراد سلب می‌شود تحقق چنین منفعی ممتنع است. در نهایت او نتیجه می‌گیرد زندگی انفرادی در جزیره‌ای متروک بهتر از زندگی در چنین جوامعی است. پس وجود سازوکاری برای تضمین آزادی‌های اجتماعی و نبود تعارض منافع افراد ضروری است (Rand, 1964 b: 102). البته این مطلب را بسیاری از طرفداران لیبرالیسم مطرح کرده‌اند و به نظر می‌آید مطلبی واضح، آشکار، و نزدیک به بدیهی در ادبیات لیبرالیسم باشد. با این حال برای تبیین پاسخ رند به مسئله تعارض آزادی‌های فردی و قانون ناگزیر از گزارش آنیم. بر این اساس، وجود آزادی‌های فردی در تفکر فلسفی رند اهمیتی بنیادین دارد. اما از سوی دیگر، همان‌گونه که او یادآور می‌شود، نباید اجازه داد انسان‌ها از یکدیگر سوءاستفاده کنند و به جای تلاش برای تولید ارزش صرفاً به دنبال استفاده از منافع دیگران باشند. پس در این‌جا مسئله چگونگی سازش دادن آزادی‌های فردی با محدودیت‌هایی که برای عملکرد آزادانه افراد در نظر گرفته می‌شود قابل طرح است. در واقع در این‌جا رند به‌طور ضمنی از وجود نظم و قانونی عمومی برای نبود تعارض میان آزادی‌های فردی سخن می‌گوید. اما سؤالی که وی باید به آن پاسخ دهد این است که حدود و ثغور این قانون و نظم عمومی تا کجاست. هم‌چنین وی باید نشان دهد وجود این قانون سبب مشکلی برای آزادی‌های فردی و هم‌چنین تفکر و کار تولیدی آزادانه نمی‌شود. برای این‌که پاسخ رند به پرسش‌های مذکور را بیان کنیم لازم است به تشریح مقوله حقوق فردی در اندیشه او بپردازیم.

۴. حقوق فردی

مقوله حقوق فردی (individual rights) نقش مهمی در نظریه اخلاقی و فلسفی رند بازی می‌کند. وی معتقد است اگر قرار باشد آزادی‌های اجتماعی تأمین شوند و تعارضی میان منافع افراد به وجود نیاید، لازم است قانون حاکم بر جامعه حقوق فردی را در نظر گیرد و

آن را مبنای عملکرد خود قرار دهد (Bernstein, 1984: 99). از نظر رند مفهوم حقوق اولاً و بالذات مفهومی اخلاقی است که زمینه انتقال اصول راهنمای عمل از حوزه فردی به حوزه ارتباطات اجتماعی را فراهم می‌کند. در واقع حقوق حامی قوانین اخلاقی فردی در عرصه اجتماعی است و میان اصول اخلاقی، قوانین اجتماعی، اخلاق، و سیاست ارتباط برقرار می‌کند (Rand, 1964 a: 88). بنابراین از نظر آیین رند حدود و ثغور قوانین اجتماعی و نظم عمومی، که برای دفاع از آزادی‌های فردی و جلوگیری از تعارض منافع در نظر گرفته می‌شود، براساس مقوله حقوق فردی مشخص خواهد شد. پس از تعریف مفهوم حقوق فردی رند به پاره‌ای از حقوق فردی اشاره می‌کند که هر جامعه آزادی موظف است به آن‌ها توجه کند و در سامان‌دهی نظم عمومی آن‌ها را مورد ملاحظه قرار دهد.

همان‌طور که بیان شد، در نظریه اخلاقی رند حیات فردی هر انسان پایه‌ای‌ترین ارزش اخلاقی است و مهم‌ترین وظیفه اخلاقی و در عین حال عقلانی هر فرد محافظت از حیات خودش است. بر همین مبنا رند معتقد است اولین و مهم‌ترین حق فردی هر انسان حق حیات است و سایر حقوق فردی در آن ریشه دارند. هم‌چنین وی بر این باور است که حفظ حیات مستلزم عملکردی عقلانی است که آزادانه انجام می‌شود. بنابراین آزادی حق دومی است که در نظریه فلسفی رند بدان توجه می‌شود (Rand, 2009: 153-154)؛ زیرا برای محافظت از حیات و ارتقای آن باید عملکردی آزادانه داشته باشیم که بدون در نظر گرفتن آزادی به‌مثابه یک حق منحصر به فرد میسر نخواهد بود. البته باید توجه کرد آزادی و اختیار در عقلانیت انسان ریشه دارد که وجه تمایز او از سایر موجودات است. در واقع مسئله اصلی حق آزادی در انتخاب میان زندگی عقلانی و زندگی غیرعقلانی است.

حق مهم دیگری که برای هر فرد وجود دارد و هر نظام قانونی موظف است از آن حمایت کند، حق مالکیت فردی است. رند ارزش و اهمیت بالایی برای این حق قائل است و در مواردی از آن با عنوان مهم‌ترین حق پس از حق حیات یاد می‌کند. علت این توجه وی به مالکیت این باور اوست که مالکیت فردی بر اثر کوشش و تفکر خلاقانه فردی به‌دست می‌آید و بر همین اساس تجسم و تحقق عینی حیات انسانی است (Rand, 1967: 15). چنان‌که گذشت، محافظت از حیات در فلسفه رند صرفاً به معنای حفظ حیات نیست، بلکه ارتقای حیات و شکوفایی آن را نیز شامل می‌شود. این رشد و شکوفایی در گرو نوع خاصی از عمل عقلانی است. مالکیت فردی نیز محصول نوعی عمل عقلانی و خلاقانه است. البته مسئله محوری حق آزادی و مالکیت نیز یکی از مسائلی است که متفکران

مدافع لیبرالیسم پیش از رند و پس از او مطرح کرده‌اند، با این حال برای تبیین دیدگاه رند درباره تعارض آزادی‌های فردی و قانون لازم است به آن بپردازیم. مسئله مهمی که درباره حق مالکیت فردی وجود دارد این است که از نظر رند این حق حقی بالقوه است. بدین معنا که ضرورتاً همه انسان‌ها از این حق بهره‌مند نخواهند شد، زیرا این حق محصول تفکر عقلانی است و در نظریه فلسفی و اخلاقی رند تفکر عقلانی امری اختیاری و انتخابی است که اگر کسی آن را انتخاب کند در جهت حفظ حیاتش قدم برمی‌دارد و به مواهب مادی و معنوی از جمله حق مالکیت دست می‌یابد. اما وجود حق مالکیت این مسئله را تضمین می‌کند که اگر فردی با تلاش خود منفعت مادی را به دست آورد مالک این منفعت است و هیچ قدرتی نباید این حق را از او بگیرد (Rand, 1964 a: 90). حال که مقوله حقوق فردی در تفکر فلسفی رند توضیح داده شد و مهم‌ترین حقوق فردی از نظر او را بیان کردیم، لازم است مشخص کنیم از نظر او چه قانونی باید در جامعه حاکم باشد تا بتواند در عین محافظت از حقوق و آزادی‌های فردی برای تحقق این حقوق از تعارض میان منافع و آزادی‌های فردی جلوگیری کند.

۵. نقش دولت در برقراری نظم و محافظت از حقوق فردی

چنان‌که دیدیم در تفکر فلسفی رند انسان‌ها برای بهره‌مندی از دو منفعت حرفه و معرفت وارد جامعه می‌شوند. از طرف دیگر، با توجه به مبانی خودگرایانه نظریه فلسفی و اخلاقی رند، حقوق فردی یکی از مهم‌ترین مقولاتی است که باید به هنگام تشکیل جامعه به آن توجه شود. اما تحقق این حقوق متضمن آزادبودن افراد و در نظر گرفتن آزادی‌های اجتماعی برای آنان است. تعارض میان منافع و آزادی‌های اجتماعی نیز امری اجتناب‌ناپذیر است که هر جامعه موظف است چاره‌ای برای آن بیندیشد.

در تفکر رند ارگانی که مسئول محافظت از حقوق فردی و آزادی‌های اجتماعی است و در عین حال از تعارض میان این حقوق و آزادی‌ها جلوگیری می‌کند دولت است (Rand, 1964 d: 102-103). از نظر او مبنای کار دولت و مهم‌ترین وظیفه آن محافظت از حقوق فردی و آزادی‌های اجتماعی است (Rand, 1990 b: 157). دولت در عین حال که به افراد اجازه می‌دهد آزادانه عمل کنند و برای به دست آوردن منافع مالی تلاش کنند، به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد آزادی اجتماعی فرد دیگری را نقض کند یا از سایر افراد جامعه سوءاستفاده کرده و منافع آن‌ها را تصاحب کند. در چنین مواردی دولت با فرد یا افراد

خاطی برخورد می‌کند و اجازه نمی‌دهد میان منافع و آزادی‌های اجتماعی افراد تعارض رخ دهد (Rand, 1964 d: 102-103). براساس این مبانی رند به این نتیجه می‌رسد که در یک جامعه آزاد که بر مبنای خودگرایی عقلانی شکل گرفته است دولت قانون‌گذار (ruler) و حاکم نیست بلکه خدمت‌کار (servant) است؛ چراکه در چنین جامعه‌ای معیار شکل‌گیری و تعیین قوانین اجتماعی حقوق فردی است و دولت نیز در خدمت این حقوق است و مانع از نقض شدن آن‌ها می‌شود (ibid: 90-91). البته دولت به معنای عرضی قانون‌گذار است. بدین معنا که مبنای اصلی قانون‌گذاری در جامعه مورد نظر رند حقوق فردی است، اما خود مردم در برخی موارد به دولت حق و اجازه قانون‌گذاری می‌دهند تا بهتر بتواند از حقوق فردی آن‌ها دفاع کند (ibid: 104-105).

رند پس از بیان خصوصیات لازم برای دولتی که بتواند از آزادی‌های افراد حمایت کند و از تنش‌های اجتماعی جلوگیری کند، به این نتیجه می‌رسد که یگانه سیستم اقتصادی و سیاسی‌ای که این خصوصیات را دارد کاپیتالیسم (capitalism) است.

از نظر رند در یک نظام کاپیتالیستی ارتباط انسان‌ها با هم‌دیگر ارتباط برده و ارباب یا قربانی و سوءاستفاده‌گر نیست. در چنین نظامی هر فرد می‌تواند از منافع دیگران بهره‌مند شود به همان نسبت که به آن‌ها سود می‌رساند. رند معتقد است در جامعه‌ای که نظام سیاسی کاپیتالیسم حکم‌فرماست هیچ‌کس نمی‌تواند با زور منفعت انسان دیگری را صاحب شود. در این نظام سیاسی فقط دولت حق دارد از جبر فیزیکی (physical force) علیه انسان‌ها استفاده کند. البته به‌کارگیری جبر فیزیکی از جانب دولت فقط زمانی اتفاق می‌افتد که شخص یا اشخاصی قصد سوءاستفاده از دیگران را داشته باشند (Rand, 1990 c: 15). در واقع از نظر رند مبنای تعیین مرزهای قانون در جامعه حقوق فردی است و از آن‌جا که آزادی یکی از مهم‌ترین حقوق فردی است، وظیفه اصلی قانون دفاع از آزادی‌های فردی است. در چنین شرایطی قانون با اصل آزادی در تعارض قرار نمی‌گیرد، اما تعارض میان آزادی افراد گوناگون با یک‌دیگر امری اجتناب‌ناپذیر است که دولت متصدی حل و فصل آن است.

۶. تحلیل و ارزیابی دیدگاه رند در خصوص قانون و آزادی‌های فردی

در این قسمت به تحلیل اجمالی دیدگاه رند می‌پردازیم و پس از آن نقاط قوت و ضعف این دیدگاه را بررسی خواهیم کرد.

۱.۶ تحلیل پاسخ رند به مسئله تعارض آزادی فردی با قانون

در یک جامعه مسئله آزادی‌های اجتماعی برای پیش‌رفت مادی و تعالی روابط بین فردی از اهمیت بنیادینی برخوردار است. اما همان‌گونه که بیان شد تعارض میان این آزادی‌ها، اهداف، و علایق افراد جامعه نیز امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین لازم است قانون و نظامی عمومی وجود داشته باشد که از این تعارض‌ها جلوگیری و در عین حال به آزادی‌های اجتماعی توجه کند.

رند برای حل تعارض مذکور از مبنای خودگرایانه تفکر فلسفی خود آغاز می‌کند. از نظر او مهم‌ترین چیزی که باید در زندگی هر انسانی به آن توجه شود حفاظت از حیات خود و تلاش در جهت ارتقا و تعالی آن است. بنابراین وی از نوع مشخصی از خودگرایی دفاع می‌کند و این خودگرایی بر تمامی وجوه تفکر فلسفی وی حاکمیت دارد و براساس آن مسائل گوناگون زندگی انسان را پاسخ می‌دهد. رند برای پاسخ به این مسئله که چگونه قانون و نظم عمومی می‌تواند در عین محافظت از آزادی‌های اجتماعی از تعارض میان این آزادی‌ها و منافع افراد جلوگیری کند نیز به مبنای فلسفی خودگرایانه خود متوسل می‌شود. از نظر او محافظت از حیات فردی متضمن نوعی عملکرد عقلانی است که منحصر به انسان است. وظیفه اخلاقی و فلسفی هر انسان پی‌گیری منافع فردی خود برای تعالی و ارتقای حیاتش است. گرچه ممکن است انسان خودگرای مورد نظر رند به منافع افراد دیگر توجه کند، اما این مسئله نیز در خودخواهی ریشه دارد، زیرا باعث می‌شود در سطح کلان منفعتی بزرگ‌تر نصیب او شود. همان‌طور که بیان شد، رند دلیل ورود انسان به جامعه و برقراری روابط بین فردی را در به‌دست‌آوردن منفعت فردی می‌داند، چراکه دو منفعت حرفه و معرفت بر اثر ورود به جامعه به‌دست می‌آیند. اما مسئله اساسی این است که وقتی انسان وارد جامعه می‌شود در بسیاری از موارد علایق، منافع، و اهداف وی در تعارض با دیگران قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی وجود قانونی جامع و نظامی پایدار برای جلوگیری از این تعارض‌ها ضروری است.

پس از بیان این مطلب رند تلاش می‌کند تا براساس مقوله حقوق فردی زیرساخت‌های لازم برای قانون حاکم بر جامعه را تعیین کند. در نظریه فلسفی وی سه حق حیات، آزادی، و مالکیت فردی از جمله مهم‌ترین حقوقی‌اند که بایستی مبنای تعیین حدود و ثغور نظم و قانون اجتماعی باشند. از نظر رند دولت متولی برقراری نظم عمومی در جامعه است و مهم‌ترین وظیفه آن حفاظت از حقوق فردی است. مبنای قوانینی که در جامعه حاکم است

و در دستور کار دولت قرار دارد نیز حقوق فردی است و همه تلاش دولت معطوف به محافظت از این حقوق است.

چنان که گذشت، از نظر رند دولت هیچ‌گونه محدودیتی برای آزادی‌های اجتماعی افراد جامعه نمی‌گذارد و دخالت آن فقط زمانی است که فرد یا افرادی حقوق فرد یا افراد دیگر را پای مال یا از آن‌ها سوءاستفاده کنند.

مطالب مذکور نتایج درخور توجهی را در پی دارد؛ اولاً باید توجه داشت چون مبنای قانون حاکم بر جامعه در فلسفه رند مقوله حقوق فردی است و از سوی دیگر توجه به مسئله حقوق فردی در نگرش خودگرایانه وی ریشه دارد، نظم عمومی حاکم بر جامعه در تفکر فلسفی رند نیز نظمی خودخواهانه خواهد بود. این مطلب بدین معناست که اگر در جامعه مورد نظر رند فردی از دیگران سوءاستفاده نمی‌کند و به حقوق آن‌ها احترام می‌گذارد صرفاً به دلیل انگیزه‌های خودخواهانه است و به این دلیل است که دیگران نیز محدودیتی برای آزادی‌های اجتماعی او به وجود نیاورند و حقوق او را تضییع نکنند. در این جا نمی‌توان از نوع دوستی یا احساس هم‌دردی با سایر انسان‌ها سخن گفت یا این که پای انگیزه‌های معنوی را به میان کشید. خود رند وقتی به تشریح نظریه اخلاقی خودگرایانه خود می‌پردازد بر این مسئله تأکید می‌کند که در نظریه او هیچ انسانی نباید آرمان‌ها، اهداف، و علایق خود را فدای دیگران کند، به همان نسبت که نباید اهداف و علایق دیگران را فدای اهداف و علایق خود بکند. بنابراین وقتی رند از رعایت حقوق دیگران در جامعه و عدم سوءاستفاده از آن‌ها سخن می‌گوید، این مسئله در نگرش خودگرایانه وی ریشه دارد.

مسئله دیگر قانون و نظم عمومی مورد نظر رند است که قرار است در عین محافظت از آزادی‌های اجتماعی از تعارض میان این آزادی‌ها و منافع افراد نیز جلوگیری کند. دولت ارگانی است که متصدی برقراری نظم عمومی در جامعه است. بر مبنای دیدگاه رند اولین چیزی که دولت باید بدان توجه کند آزادی‌های اجتماعی افراد جامعه است، زیرا اولاً آزادی در نظریه رند یکی از بنیادی‌ترین حقوق فردی است و ثانیاً این آزادی پیش شرط اصلی محافظت از حیات فردی و ارتقای آن است. تا زمانی که افراد جامعه از یک‌دیگر سوءاستفاده نکنند و محدودیتی برای آزادی‌های اجتماعی یک‌دیگر به وجود نیاورند، دولت صرفاً ناظر روابط اجتماعی انسان‌هاست، وارد عمل نمی‌شود، و در امور اجتماعی دخالت نمی‌کند. دخالت دولت به هنگام تعارض میان آزادی‌ها و منافع افراد جامعه است و بر همین اساس می‌توان گفت دولت در شرایط اضطراری وارد عمل می‌شود. از این جا می‌توان نتیجه گرفت از نظر رند دولت مسئول حل مسئله تعارض میان آزادی‌های اجتماعی است. در

فلسفه او آزادی‌های اجتماعی مبنای شکل‌گیری قانون و نظم عمومی حاکم بر جامعه است اما به هنگام تعارض میان آزادی‌ها و منافع افراد جامعه لازم است قوانین فرعی‌ای از جانب دولت وضع شود تا اصل وجود آزادی اجتماعی در جامعه نقض نشود.

۲.۶ بررسی نقاط قوت دیدگاه رند

دیدگاه رند در خصوص نسبت میان آزادی‌های اجتماعی و نظم عمومی حاکم بر جامعه نقاط قوت مهمی دارد. وی از مبانی مشخص و منسجمی برای رسیدن به نظریه خود استفاده می‌کند. گرچه دیدگاه فلسفی خودگرایانه وی از منظرهای گوناگون قابل نقد است (که نقد و بررسی آن از حوصله این نوشتار خارج است)، اما رند به‌خوبی از این اصل کلی برای ارائه نظریه‌ای درباره ارتباط آزادی‌های اجتماعی و قانون و نظم عمومی استفاده می‌کند. از سوی دیگر او توانست نظریه‌ای را بپروراند که نه فقط جایگاه ویژه‌ای برای آزادی اجتماعی افراد جامعه قائل است، بلکه این آزادی اجتماعی را مبنای اصلی تعیین قانون و نظم حاکم بر جامعه می‌داند. از آن‌جا که در نظریه رند حقوق فردی مبنای تعیین قوانین در جامعه است و از سوی دیگر آزادی یکی از مهم‌ترین حقوق فردی است، آزادی اجتماعی افراد زیربنای شکل‌گیری قانون است.

چنان‌که در مقدمه گفتیم، در مسئله نسبت میان آزادی‌های اجتماعی و قانون حاکم بر جامعه مهم‌ترین چیز محدودکنندگی قانون است و باید حد و مرزهایی را برای آزادی‌ها مشخص کند. در این‌جا این پرسش مطرح می‌شود که حدود و ثغور این محدودیت‌ها تا کجاست؟ از سوی دیگر ممکن است محدودکردن آزادی‌های اجتماعی افراد تا جایی پیش رود که به حذف کامل این آزادی‌ها بینجامد. اما وقتی رند از قانون و نظم عمومی به‌منزله مقوله‌ای یاد می‌کند که در آزادی اجتماعی افراد ریشه دارد و فلسفه وجودی آن محافظت از این آزادی است، مسئله حذف آزادی‌های اجتماعی از سوی قوانین در نظریه او منتفی خواهد بود. هم‌چنین رند از ارگانی مشخص برای محافظت از آزادی‌های اجتماعی و جلوگیری از تعارض میان این آزادی‌ها یاد می‌کند. وی معتقد است دولت قانون‌گذار نیست و صرفاً محافظ حقوق فردی و آزادی‌های اجتماعی افراد است. بنابراین دولت موظف است از اصل آزادی اجتماعی دفاع کند. اما در برخی موارد دفاع از آزادی اجتماعی متضمن محدودکردن آزادی افرادی است که قصد تضییع حقوق دیگران یا سوءاستفاده از آن‌ها را دارند. توجه رند به نقش دولت به‌منزله اهرمی که از آزادی افراد حفاظت و از تعارض‌ها در

جامعه جلوگیری می‌کند نیز امری جالب توجه است و انسجام نظریه‌ی وی درباره‌ی نسبت آزادی و نظم عمومی را نشان می‌دهد.

۳.۶ بررسی نقاط ضعف نظریه‌ی رند

با وجود این نقاط قوت نقدهای مهمی بر نظریه‌ی رند وارد است. اولین مسئله انتقاداتی است که متوجه مبنای خودگرایانه‌ی نظریه‌ی وی است. از آن‌جا که زیربنای نظریه‌ی رند درباره‌ی رابطه‌ی میان آزادی‌های اجتماعی و نظم عمومی به رویکرد خودگرایانه‌ی وی بازمی‌گردد، تخریب نظریه‌ی خودگرایی وی به تخریب نظریه‌ی او در باب تعارض آزادی‌های اجتماعی منجر خواهد شد. متفکران مهمی چون لویس پویمان (Louis Pojman)، جیمز ریچلز، و جودیت باس (Judith Boss) نقدهایی جدی را بر خودگرایی اخلاقی رند وارد کردند که در جای خود درخور تأمل‌اند و می‌توانند به تخریب خودگرایی اخلاقی وی منجر شوند.

مطلب دیگری که باید بدان توجه داشت تحلیل نقش دولت در برقراری نظم عمومی و جلوگیری از تعارض آزادی‌ها و منافع افراد جامعه است. رند معتقد است وظیفه‌ی اصلی دولت حفاظت از آزادی اجتماعی و منافع افراد است. عملکرد ایجابی دولت فقط زمانی انجام می‌گیرد که افراد از یک‌دیگر سوءاستفاده یا آزادی یک‌دیگر را محدود کنند. آن وقت است که دولت قوانین فرعی را برای دفاع از اصل آزادی اجتماعی وضع و از طریق آن با افراد خاطی برخورد می‌کند. در این‌جا رند توضیح نمی‌دهد حدود و ثغور این قوانین فرعی تا کجاست و چگونه می‌توان مطمئن بود در صورت اعمال آن‌ها جبر در جامعه حاکم نخواهد شد و حقوق فردی و آزادی اجتماعی افراد جامعه زیر سؤال نخواهد رفت.

در تشریح مسئله‌ی نسبت میان آزادی‌های اجتماعی و قانون و نظم بیان کردیم که قانون خاصیت محدودکنندگی دارد و این مسئله می‌تواند برای آزادی‌های اجتماعی افراد مشکل‌ساز باشد. بنابراین لازم است حدود هر قانون و نظم عمومی مشخص شود تا بتوان نشان داد که به حذف آزادی اجتماعی افراد جامعه یا کاهش غیرمنطقی آن‌ها منجر نخواهد شد. بنابراین لازم است رند حدود و ثغور قوانینی را که دولت برای جلوگیری از تعارض میان آزادی‌های اجتماعی وضع می‌کند مشخص کند.

آخرین مسئله‌ای که درباره‌ی نظریه‌ی رند مطرح است به نقش مبنای خودگرایانه‌ی تفکر وی در برقراری نظم عمومی در جامعه بازمی‌گردد. چنان‌که دیدیم، بر مبنای نظریه‌ی رند احترام انسان‌ها به حقوق یک‌دیگر و سوءاستفاده‌نکردن آن‌ها از یک‌دیگر انگیزه‌های خودخواهانه

دارد و هدف این است که منفعت و حقوق فردی هر انسانی تأمین شود. هم‌چنین رند بر این باور است هر فردی صرفاً باید به دنبال منافع خود باشد و مجاز نیست برای تأمین منفعت فردی خود حق یا منفعت دیگران را تضییع کند. در این جا می‌توان نظریه رند را از منظری مهم نقد کرد. در بسیاری موارد آدمی می‌خواهد حقوق دیگران را رعایت کند و از آن‌ها استفاده ابزاری نکند، اما چون انگیزه خودخواهی در هر انسانی بسیار قوی عمل می‌کند در نهایت این انگیزه قوی در انسان مانع از انجام این مهم می‌شود. به نظر می‌آید در صورت حاکمیت صرف خودگرایی در تعیین حدود و ثغور قوانین اجتماعی و نظم عمومی این قوانین در محافظت از آزادی‌های اجتماعی در عین جلوگیری از تعارض این آزادی‌ها با مشکل مواجه می‌شوند. در واقع خلأ وجود انگیزه‌های دیگرگرایانه در تعیین این قوانین در نظریه رند قابل مشاهده است. لازم است علاوه بر قوانینی که دولت برای جلوگیری از تعارض آزادی‌ها و منافع افراد وضع می‌کند، به انگیزه‌هایی چون هم‌دردی، نوع‌دوستی، و دیگرخواهی در انسان‌ها به منزله یکی از مبانی مهم در تعیین نظم عمومی حاکم بر جامعه توجه شود. در چنین شرایطی برای هر فرد دو بازدارنده مهم درونی و بیرونی وجود دارد که مانع از سوءاستفاده از دیگران یا تضییع منافع آن‌ها از جانب وی می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

چنان‌که در مقدمه بیان شد، مسئله تعارض میان آزادی‌های فردی و قانون مسئله‌ای است که از حیث فلسفی شایان بررسی است. در نظریه اخلاقی رند مبنایی برای پاسخ‌دادن به تعارض مذکور وجود دارد. نظریه اخلاقی وی، که نظریه‌ای خودگرایانه و در عین حال فردگراست، بنیانی فردگرایانه برای حقوق فردی فراهم می‌کند و براساس این حقوق به تعارض‌های احتمالی میان قانون و آزادی‌های فردی پاسخ می‌دهد. براساس نظریه رند، حق آزادی پس از حق حیات مهم‌ترین حقی است که باید به آن توجه شود. از سوی دیگر، وی معتقد است مبنای قانونی که برای حفظ نظم جامعه وضع می‌شود حقوق فردی است و وظیفه این قانون نیز محافظت از این حقوق است. از آن‌جا که حق آزادی یکی از مهم‌ترین حقوق فردی است و وظیفه قانون نیز محافظت از این حقوق است، احتمال تعارض بین قانون و آزادی‌های فردی در نظریه فلسفی رند کم می‌شود. از نظر رند در هر جامعه‌ای دولت موظف است از حقوق فردی دفاع کند، بنابراین دولت از آزادی‌های فردی دفاع می‌کند. دولت آرگانی است که از قانون اجتماعی حمایت می‌کند، قانون اجتماعی‌ای که

مبنای آن حقوق فردی است. البته ممکن است دولت برای محافظت از این حقوق قوانین فرعی وضع کند یا آزادی‌های فردی را محدود کند، اما مبنای این قوانین فرعی نیز دفاع از اصل آزادی است.

تأمل در پاسخ رند به مسئله تعارض آزادی فردی و قانون نشان می‌دهد در این پاسخ نیز مانند هر پاسخ محتمل دیگری نقاط ضعف و قوتی وجود دارد. پاسخ فلسفی رند از مبنای مشخصی آغاز می‌کند و به خوبی براساس این مبنا به تبیین رابطه قانون و آزادی‌های فردی می‌پردازد. از آنجا که در نظریه او حقوق فردی مبنای شکل‌گیری قانون اجتماعی است و از طرف دیگر حق آزادی یکی از مهم‌ترین حقوق فردی است، مبنایی مناسب برای نبود تعارض میان آزادی‌های فردی و قانون در نظریه وی یافت می‌شود. اما باید توجه کرد که بنیان پاسخ فلسفی رند نظریه اخلاقی خودگرایانه وی است و نقدهایی جدی به خودگرایی اخلاقی وارد است. هم‌چنین باید توجه داشت رند هیچ توضیحی در خصوص مرزهای قوانین فرعی، که از جانب دولت برای جلوگیری از نقض آزادی وضع می‌شود، نمی‌دهد. در نهایت باید به این مسئله نیز توجه داشته باشیم که نبود انگیزه‌های هم‌دلانه و دیگرگرایانه در نظریه فلسفی و اخلاقی رند عاملی منفی است که رعایت حقوق فردی در جامعه را با چالش مواجه می‌کند.

در ادامه لازم است به سازگاری‌ها، ناسازگاری‌ها، و ابهامات نظریه رند اشاره‌ای شود. همان‌گونه که در ابتدای بحث مطرح شد، رند به‌طور مستقیم به مسئله تعارض آزادی‌ها و قانون نپرداخته است. در این نوشتار تلاش کردیم تا پاسخ وی را براساس مبانی اندیشه او استخراج کنیم. به نظر می‌آید فرایند رسیدن از این مبانی به راه‌حلی که رند برای تعارض مذکور ارائه می‌دهد دارای سازگاری منطقی است. رند از خودگرایی اخلاقی فردگرایی را نتیجه می‌گیرد. مهم‌ترین ارزشی که هر فرد خودگرا موظف است از آن محافظت کند حیات است، اما محافظت از حیات مستلزم بهره‌مندی از آزادی است؛ زیرا محافظت از حیات از طریق تحقق و شکوفایی آن امکان‌پذیر است. بر همین اساس، رند معتقد است حیات و آزادی دو حق اصلی انسان خودگرایند. اما انسان خودگرا برای برخورداری از دو ارزش منفعت و حرفه ناگزیر است وارد جامعه شود؛ این نیز سازگار است. از آنجا که وی معتقد است خودگرای عاقل باید از آزادی خود برای تحقق حیات استفاده کند، ورود به جامعه نیز مقدمه تحقق حیات را فراهم می‌کند؛ زیرا زمینه تلاش برای بهره‌مندی از دو منفعت مهم را آماده می‌کند. رند در نهایت تلاش می‌کند تا از دولت به‌منزله ابزاری برای حل تعارض آزادی فردی و قانون استفاده کند. وقتی رند اصالت را به فرد می‌دهد طبیعی است که معیار قوانین

اجتماعی را نیز فرد بدانند؛ بنابراین نقش دولت از قانون‌گذار به خدمت‌گذار تقلیل می‌یابد. با این حال دولت صرفاً به هنگام بروز تعارض میان آزادی‌های فردی وارد عمل می‌شود. شاید بتوان گفت مهم‌ترین ناسازگاری در پاسخ رند به تعارض آزادی‌های فردی و قانون تعارض بنیان خودگرایانه پاسخ وی با حد و مرزی است که برای آزادی‌های فردی تعیین می‌کند. از یک سو در نظریه خودگرایی اخلاقی بر این مسئله تأکید می‌شود که مهم‌ترین هدف و ارزش انسان در زندگی ارتقای منافع خود اوست که چنین چیزی در بسیاری از موارد مستلزم نگاه ابزاری به دیگران است و ممکن است در شرایطی زمینه فداکردن آن‌ها را برای منافع شخصی فراهم کند. از طرف دیگر، رند در نظریه خودگرایانه خود بر این مسئله تأکید می‌کند که نباید به هنگام ورود به جامعه دیگران را فدای خود کنیم و مقوله حقوق فردی در نظریه او محدودیتی برای تأمین منافع فردی ایجاد می‌کند. اما باید توجه داشته باشیم در این دیدگاه تا حد زیادی به ارزش ذاتی انسان‌های دیگر توجه می‌شود که این مسئله با روح حاکم بر نظریه خودگرایی اخلاقی چندان سازگار نیست. مهم‌ترین ابهام نظریه رند نقش دقیق دولت در حل تعارض‌هاست. وی معتقد است دولت به هنگام ورود تعارض میان آزادی‌های فردی با قانون وارد عمل می‌شود و از جبر و قدرت فیزیکی استفاده می‌کند. گرچه مبنای قوانین بنیادی و اصلی جامعه حقوق فردی است و این یعنی دولت قانون‌گذار نیست، اما به هنگام تعارض آزادی‌های فردی با قانون دولت وارد عمل می‌شود و قوانین فرعی‌ای را برای جلوگیری از این تعارض‌ها وضع می‌کند. در نهایت رند مشخص نمی‌کند مبنای تعیین چنین قوانینی از سوی دولت چیست و اساساً به هنگام تعارض میان خود این قوانین فرعی حل تعارض‌ها چگونه امکان‌پذیر است. از طرف دیگر، برای این‌که دولت بتواند نقش خود را در جایگاه عامل برطرف‌کننده تعارض میان آزادی‌های فردی و قانون در جامعه به‌درستی بازی کند، لازم است مرزهای قوانین فرعی به‌طور دقیق مشخص شوند، زیرا در غیر این صورت این احتمال وجود دارد که قوانین فرعی زمینه لازم را برای قربانی شدن قوانین اصلی و حقوق فردی مهیا کنند و در نهایت موجب سوءاستفاده دولت از قوانین شوند.

کتاب‌نامه

- Bernstein, Andrew (1984). *Objectivism in One Lesson an Introduction to the Philosophy of Ayn Rand*, United States: Hamilton Book.
- Harriman, David (1999). *Journals of Ayn Rand*, New York: A Plume Book.

- Rachels, James (1998). *The Elements of Moral Philosophy*, New York: McGraw-Hill.
- Rand, Ayn (1964 a). *Man's Rights*, New York: A Signet Book.
- Rand, Ayn (1964 b). *The Nature of Government*, New York: A Signet Book.
- Rand, Ayn (1964 c). *The Objectivist Ethics*, New York: A Signet Book.
- Rand, Ayn (1964 d). *The Virtue of Selfishness*, New York: A Signet Book.
- Rand, Ayn (1967). *Capitalism: The Unknown Ideal*, New York: Penguin Group.
- Rand, Ayn (1984). *Philosophy: Who Needs It*, New York: A Signet Book.
- Rand, Ayn (1990 a). *Our Cultural Value-Deprivation*, New York: A Meridian Book.
- Rand, Ayn (1990 b). *Representation without Authorization*, New York: A Meridian Book.
- Rand, Ayn (1990 c). *The Voice Of Reason Essays In Objectivist Thought*, New York, A Meridian Book.
- Rand, Ayn (2009). *Objectively Speaking Ayn Rand Interviewed*, Edited By Marlene Poditske, United States: The Ayn Rand Institute.
- Rnd, Ayn (1964 e). *Atlas Shrugged*, New York: Penguin Group.